

صندوق پرنده

نویسنده : هانس کریس اندرسن

مترجم : زهرا شمس پرتو

تصویرگر و صفحه آرا : نازنین خیرخواه وطن



سر شناسه : اندرسن، هانس کریس، ۱۸۰۵-۱۸۷۵ م
عنوان و پدید آور صندوق پرنده / مترجم زهرا شمس پرتو
مشخصات نشر : تمدن پارس، ۱۳۹۱
مشخصات ظاهری : ۱۶ ص، مصور رنگی
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۸-۳۸-۲
یادداشت : گروه سنی : ب
یادداشت : افسانه های عامه
موضوع : داستان های تخیلی
شناسه افزوده : خیره خواه نازنین تصویرگر
رده بندی دیویی : ۱۳۹۱ ص ۸۷۱ الف ۳۹۸/۲
شماره کتابشناسی ملی : ۳۱۲۳۴۷۷

نویسنده : هانس کریس اندرسن

مترجم : زهرا شمس پرتو

تصویرگر و صفحه آرا : نازنین خیرخواه وطن

مدیر مسئول : منصوره کریمی فیجانی

ناشر : تمدن پارس

چاپ اول : ۱۳۹۱

تیراژ : ۱۰۰۰ نسخه

چاپ : اول

صحافی : آبرنگ

قیمت : ۳۰۰۰ تومان

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۰۸-۳۸-۲



صندوق پرنده

روزی روزگاری در شهری تاجر خیلی ثروتمندی زندگی می کرد. او به قدری ثروتمند بود که قادر بود به راحتی تمام خیابانها با کوچه هایش را با نقره فرش کند اما او این کار را نمی کرد زیرا راه بهتری برای خرج کردن پولهایش سراغ داشت ، تاجر خوبی مثل او همیشه می دانست اگر یک سکه به کار اندازد در ازای آن باید بتواند پنج سکه درآورد ، ولی با تمام اینها بلاخره روزی درگذشت و همه ثروتش به پسرش رسید. پسر درشادی و ناز و نعمت زندگی می کرد ، هر شب مهمانی های با شکوهی برگزار می کرد و به مهمانی می رفت ، به جای کاغذ از اسکناس برای ساختن بادبادک استفاده می کرد و اردکهای استخرش به جای سنگ با طلا بازی می کردند. با وضعی که او در پیش گرفته بود بزودی تمام پولهایش را خرج کرد و بلاخره از آن همه ثروت چهار سکه به جا ماند و از آن همه لباس یک جفت دمپایی و یک ربدو شامبر کهنه . حالا دیگر دوستانش کمتر دور و بر او پیدا می شدند ، روزی یکی از آنها که نسبت به سایرین خوش قلب تر بود برای او یک صندوق کهنه همراه با نصیحتی فرستاد . آن نصیحت این بود : وسایلت را جمع کن و برو ، این خیلی عالی بود اما او چیزی نداشت که جمع کند ، به همین خاطر سوار صندوق شد، صندوق جالبی بود زمانی که قفل آن بسته می شد می توانست پرواز کند ، بنابراین قفل را بست و صندوق به پرواز در آمد از میان شومینه عبور کرد و رفت بالای ابرها و می بالا و بالاتر.